

همسویی ایدئولوژی و منافع ملی و روند قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۶)

مهدی پرهان^۱، غلامرضا کریمی^۲، ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۳، سید علی منوری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲

چکیده

پس از پایان جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی علاوه بر پیگیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی به الزامات و منافع ژئواستراتژیک ایران اهمیت داده است. پژوهندگان در این مقاله می‌کوشند با تحقیق درباره نحوه عملکرد جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته، تأثیرات همسویی میان ایدئولوژی و منافع ملی را در قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی کنند. بر این اساس سؤال اصلی مقاله این است: چگونه همسویی ایدئولوژی و منافع ملی در روند قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مؤثر واقع شده است؟ فرضیه مقاله این است که تغییر رویکرد نظام و اقدامات آن در انطباق میان ایدئولوژی و منافع ملی کشور موجب افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده است. یافته‌های پژوهش به روش تبیینی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است و نشان می‌دهد که پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز سیاست‌های عمل‌گرایانه در کشور، همسویی ایدئولوژی و منافع ملی براساس برجسته‌شدن قدرت ملی و موقعیت ژئوپلتیک و بازتعریف شدن مفاهیم ایدئولوژیک در تصمیم‌گیری کلان نظام، موجب افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی؛ منافع ملی؛ قدرت‌یابی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ سیاست خارجی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ghkarimi@khu.ac.ir

^۳ استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۱- مقدمه

ایران کشوری کهن در منطقه خاورمیانه است که همواره به‌عنوان کانون بالقوه قدرت در معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار آمده است. سابقه این امر را می‌توان در شکل‌گیری و تداوم امپراطوری‌های باستانی هخامنشی و ساسانی جست‌وجو کرد. ایران پس از حمله اعراب و سقوط ساسانیان به مدت چندین قرن حاکمیت و استقلال ملی خود را از دست داد؛ اما پس از وحدت دوباره کشور و شکل‌گیری حکومتی فراگیر در دوره صفوی، ایران بار دیگر به‌عنوان قدرتی مهم در عرصه بین‌المللی مطرح شد. وجه مشخص حکومت صفویان، استفاده ماهرانه آنها از مذهب برای ایجاد مشروعیت و تحکیم قدرت خود بود. از انقراض صفویان تا روی کار آمدن قاجاریه پایه‌های قدرت در ایران کماکان پایرجا بود؛ اما با مرگ آقامحمدخان دوران افول حاکمیت ملی و انفعال سیاسی در عصر قاجار آغاز شد که این روند تا برقراری حکومت پهلوی ادامه داشت. مفهوم دولت در حکومت پهلوی بر مبنای منافع ملی، ناسیونالیسم و میلیتاریسم تعریف شده بود. محمدرضا شاه پهلوی ارتقای جایگاه ایران را در تعامل گسترده با غرب به‌ویژه آمریکا و تقویت ارتش از طریق خریدهای کلان نظامی می‌دید که تبلور آن در به دست آوردن ژاندارمی منطقه بود؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی مشخص شد که این جایگاه استحکام لازم را نداشته و عمدتاً مرهون حمایت قدرت‌های غربی بوده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و جابه‌جایی قدرت، طغیان احساسات آرمانگرایانه، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و به تبع آن منطقه را دستخوش تغییرات مهمی کرد؛ ایدئولوژی اسلامی انقلابی که هویت‌بخش انقلاب اسلامی بود، سرلوحه و خط مشی راهبردی انقلابیون و نخبگان آن قرار گرفت. شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن بود که سیاست خارجی این کشور براساس آرمان‌های انقلابی تدوین و پیگیری خواهد شد. همین امر باعث شد که ایران در سطح منطقه و جهان، کشوری چالش‌گر شناخته شود که نظم منطقه‌ای و بین‌الملل را تهدید می‌کند. نتیجه چنین سیاستی در آن برهه، انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی بود. در این میان وقوع جنگ تحمیلی و فرسایشی هشت ساله عراق علیه ایران که با هدایت و حمایت قدرت‌های غربی و کشورهای محافظه‌کار عرب منطقه همراه بود، علاوه بر تضعیف نظام اسلامی، باعث تنزل جایگاه ایران به قدرتی کوچک، آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای شده بود که با موقعیت استراتژیک و مشخصه‌های ژئوپلیتیک آن هیچ‌گونه سنخیتی نداشت. این مسئله رهبران جمهوری اسلامی را بدین امر آگاه کرد که ادامه چنین روندی بدون تجدید نظر در شیوه اجرای سیاست‌های کلان نظام اسلامی امکان‌پذیر نیست.

بررسی تحولات سه دهه اخیر نشان می‌دهد این تغییر رویکرد نظام که بر مبنای تلفیق و همسویی میان ایدئولوژی و منافع ملی شکل گرفته شده بود، نقش موثری در استحکام پایه‌های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه داشته است. گفتنی است به‌سبب آنکه مفهوم منافع ملی دامنه گسترده‌ای دارد، این همسویی صرفاً درباره الزامات استراتژیک و پتانسیل‌های منطقه‌ای ایران بررسی شده است.

۲- چارچوب نظری: واقع‌گرایی تهاجمی

جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس همواره با مشکلات امنیتی فراوان روبه‌رو بوده است. تجربه جنگ تحمیلی و تهدیدهای امنیتی ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه بی‌ثبات خاورمیانه، سیاست‌های دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به‌سوی برقراری امنیت پایدار، ایجاد بازدارندگی و افزایش قدرت منطقه‌ای سوق داده است؛ از این‌رو پشتوانه و نقطه اتکای این پژوهش بر مبنای رهیافت واقع‌گرایی تهاجمی قرار می‌گیرد که دارای قرابت مفهومی با شیوه عملکرد جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته است.

در سال‌های اخیر پژوهشگران مطالعات امنیتی برداشت‌های متفاوتی از رئالیسم ارائه کرده‌اند که منافع آنها را در فهم ماهیت تهدیدهای امنیتی نظام بین‌الملل و انتخاب گزینه‌های استراتژیک دولت‌ها برای بقا و پیشرفت در این نظام نشان می‌دهد. یکی از این برداشت‌های جدید، رئالیسم تهاجمی مطرح‌شده از جان مرشایمر است که براساس آن کشورها باید آن دسته از سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که موجب تضعیف دشمنان بالقوه آنان در نظام بین‌الملل می‌شود و قدرت آنها را نسبت به بقیه کشورها افزایش می‌دهد (ال. لمی، ۱۳۹۲: ۴۱۸). مبحث اصلی رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی این است که قدرت‌های بزرگ در تلاش برای افزایش قدرت و ایجاد هژمونی به‌منظور ارتقای قابلیت‌های بقای خویش در محیط نامطمئن و متغیر بین‌المللی بوده‌اند. بر این اساس ابرقدرت‌ها به‌جای قرارگرفتن در منطقه امن تحت تسلط خود به گسترش قدرت و نفوذ در مناطق دیگر پرداخته‌اند. آنها به دنبال سرمایه‌گذاری بر روی اختلافات منطقه‌ای و کسب منافع هرچه بیشتر از قبل آن بوده‌اند (Cantelmo, 2016: 40). واقع‌گرایان تهاجمی این استدلال واقع‌گرایان ساختاری تدافعی را که دولت‌ها باید از پیشینه‌ساختن قدرت خودشان پرهیز کنند، صریحاً مردود می‌شمرند. آنها معتقدند که پیشینه‌ساختن قدرت لزوماً موجب برانگیختگی واکنشی از سوی طرف مقابل نمی‌شود و بنابراین دولت‌ها می‌توانند به شیوه‌ای عقلایی درصدد دستیابی به برتری منطقه‌ای برآیند (گریفیتس، ۱۳۹۴: ۱۰۲۳).

۳- ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران

ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران برگرفته از قرآن، فقه اسلامی - شیعی، تفکرات امام خمینی (ره) و ضروریات انقلابی است و ویژگی‌هایی دارد که در مجموع هویت، اهداف و گستردگی آن را در چهارچوب یک نظام اسلامی - انقلابی تعریف می‌کند. بررسی این ارزش‌ها و آرمان‌ها، چگونگی تأثیر و محوریت ایدئولوژی انقلاب اسلامی و نقش‌ها و تکالیف لحاظ‌شده در آن را بر دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌کند. برخی از مهم‌ترین اصول و مفاهیم تبیین‌کننده ایدئولوژی انقلاب اسلامی عبارت است از:

۳-۱ ولایت فقیه

ولایت فقیه از اصول اساسی مختص به ایدئولوژی انقلاب اسلامی است که براساس یک تفسیر حداکثری از

آموزه‌های اسلام شیعی مبنی بر التزام به برقراری حکومت اسلامی توسط ولی فقیه جامعه در دوران غیبت امام زمان (ع) شکل گرفته و مبنای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران شده است. امام خمینی (ره) لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه عادل را در ظالمانه بودن حکومت‌های بشری - به دلیل خطاپذیری و عدم تطبیق مصالح شخص خود با مصالح عمومی جامعه توسط حاکم آن - می‌داند (فیرحی، ۱۳۹۳: ۹۵). ایشان تأکید دارند چنانچه فقیه آگاه و عادل حکومت اسلامی تشکیل دهد، باید امور جامعه را مطابق با آنچه پیامبر (ص) توصیه کرده است، بر عهده بگیرد. این امر موجب برقراری رابطه عاطفی بین ولی فقیه و امت اسلامی می‌شود و یک رابطه وجودی، بیعت و تبعیت‌گونه را بین او و جامعه به وجود می‌آورد. بر این اساس ولی فقیه در رأس هرم نظام اسلامی قرار می‌گیرد و هستی و نیستی سیاسی، اجتماعی جامعه در اختیار و اراده او خواهد بود (ازغندی، ۱۳۸۹: ۵۳).

۳-۲ عدالت طلبی

ایمان به عدالت‌طلبی ب‌عنوان یک اصل بنیادی در فرهنگ شیعه، نگرش سیاسی ویژه‌ای را در پی داشته که خودانگیزگی، تحریک‌پذیری، میل به فداکاری و آرمان‌خواهی شیعیان مرهون آن است (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۷۳). «دین اسلام و مذهب تشیع بیش از سایر منابع عدالت‌طلبی ایرانیان را تقویت نموده است» (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۲۵). «پس عدالت‌جویی را می‌توان یکی از ارزش‌های فرهنگ اسلامی که بدل به نوعی ارزش در سیاست خارجی می‌شود، دانست. این قاعده به هويت جمهوری اسلامی به‌عنوان یک عنصر عدالت‌گرا و یک واحد سیاسی عدالت‌جو شکل خواهد داد» (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳).

۳-۳ قاعده نفی سبیل

معنا و مفهوم قاعده نفی سبیل این است که «خداوند در قرآن و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین باز نگذارده و هرگونه راه تسلط کافرین بر مسلمین را بسته است. پس کافر در هیچ زمینه نمی‌تواند شرعاً مسلط بر مسلمانان باشد» (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۸۶). این اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی «براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب» استوار شده است (منصور، ۱۳۸۲: ۸۴).

۳-۴ تشکیل «امت واحده جهانی»

هدف نهایی از برقراری حکومت اسلامی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران تشکیل «امت واحده جهانی» است که همچون دیگر اصول ایدئولوژیک انقلاب اسلامی منبعث از آموزه‌های قرآن کریم است: «ان هذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ».

بر این اساس یکی از مهم‌ترین اهداف بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «استقرار جامعه اسلامی براساس مبانی شیعی» است. پیرو این سیاست، دولت جمهوری اسلامی وظیفه دارد از سرزمین‌های مسلمین با تمام قوا دفاع کند؛ زیرا تضعیف هر جزء از جامعه اسلامی لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به دیگر اجزای آن

وارد خواهد کرد؛ بنابراین با توجه به مندرجات قانون اساسی و مقدمه آن تشکیل امت واحده جهانی مهم ترین هدف کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۵).

۳-۵ صدور انقلاب

یکی از مهم‌ترین علت‌های وجودی حکومت و لزوم تشکیل نظام جمهوری اسلامی قابلیت صدور انقلاب، برای رسیدن به دیگر اهداف تعیین‌شده در ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. صدور انقلاب از اهداف اساسی و ثابت جمهوری اسلامی بوده و حیات نظام اسلامی در گسترش آن و رای مرزهای جغرافیایی تعریف شده است؛ به همین سبب در قانون اساسی نیز توجه ویژه‌ای بدان مبذول داشته شده است و هشت اصل از آن به طور ویژه به صدور انقلاب اختصاص داده شده است.

۳-۶ اصل «تولی و تبری»

«تولی» در لغت به معنای دوستی کردن، کاری را بر عهده گرفتن و «تبری» نیز به معنای بیزاری و بیزاری‌جستن است. در آموزه‌های اعتقادی و تعالیم اسلامی، «تولی» و «تبری» به ترتیب به معنای دوستی با خدا، اولیای الهی و اهل بیت و دشمنی با دشمنان خدا، پیشوایان باطل و طاغوت است (جوادی آملی، ۱۳۹۲). اصل «تولی» و «تبری» مکمل مفهومی «قاعده نفی سیل» در ایدئولوژی انقلاب اسلامی است و نمود عینی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برقراری رابطه‌ی حسنه، مسالمت‌آمیز و سازنده با دنیای اسلام و حمایت از مسلمانان، مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش و ازطرفی استکبارستیزی و مبارزه با نظام سلطه و بی‌عدالتی در عرصه بین‌المللی است.

۳-۷ اصل «تألیف قلوب»

«تألیف قلوب» از لحاظ لغوی به معنای ارتباط‌یافتن و جوش خوردن دل‌ها و از نظر لغوی «حمایت اقتصادی مسلمین و یا کفار توسط پیامبر و یا امام و یا فقیه و دولت اسلامی به منظور جلب آنان برای جهاد و مبارزه و گرایش به اسلام و دفاع از آن است» (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۸۶). براساس فتوای امام خمینی^(ه) در تحریرالوسیله، عمومیت تألیف قلوب بر مسلمان و غیرمسلمان است. با این اصل می‌توان تمامی نهضت‌های ضداستعماری و ضداستبدادی جهان را اعم از اسلامی و غیر آن، متوجه انقلاب اسلامی گردانید (همان: ۵۰۱). این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مضامینی تحت عنوان «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» مشهود است (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۵۴).

۳-۸ اصل دعوت

«دعوت اولین گام و اولین اصل در سیاست خارجی اسلام است. دعوت عبارت است از درخواست پذیرش اسلام از غیر مسلمین» (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۵۷-۳۵۸). هر اندیشه‌ای هر قدر هم که پیشرفته باشد، برای گسترش آن ناچار به تبلیغات است. اسلام هم از این قاعده مستثنی نیست و ضرورت این دعوت در آن است که حیات اسلام بدان بستگی دارد. هدف اصلی از «دعوت» در اسلام، بنای جامعه اسلامی مطابق احکام الهی است و هر روشی که تحقق این امر را تسریع کند، در اولویت قرار دارد (جعفری‌الظالمی، ۱۳۵۹: ۱۲۲). بر این

اساس اصل صدور انقلاب مهم‌ترین سیاست و راهکار عملی تحقق اصل «دعوت» در جمهوری اسلامی ایران است.

۴- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

مفهوم منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران تلفیقی از مصالح اسلامی، مقتضیات ملی و عوامل ژئوپلیتیک است؛ از این‌رو در این قسمت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سه زمینه حفظ موجودیت و بقای جمهوری اسلامی، تقویت امنیت و قدرت دفاعی کشور و تمرکز بر الزامات استراتژیکی و ژئوپلیتیک ایران و گسترش نفوذ منطقه‌ای بررسی می‌شود.

۴-۱ حفظ موجودیت و بقای جمهوری اسلامی

در بین تمامی اصول و منافع جمهوری اسلامی، حفظ و بقای نظام اسلامی در سیاست‌گذاری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، ارجحیت تام دارد. نظام اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین اصل وجودی جمهوری اسلامی ایران، بدون حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور میسر و ممکن نیست و نظریه «ام القرای» اسلامی نیز با توجه و استناد به چنین دیدگاهی شکل گرفته شده است.

استقرار حکومت اسلامی گام اول برای جهانی‌شدن اسلام و حرکت به‌سوی حکومت واحد جهانی است. از این منظر نظریه «ام القری» در ابتدا به مفهوم حکومت اسلامی و مصلحت حکومت نظر دارد؛ زیرا تهدید قلمرو و مرزهای «ام القری» تهدید مستقیم حکومت اسلامی است که حفظ آن از اهم واجبات است. بر این مبنا حفظ جمهوری اسلامی به معنای حفظ قلمرو ملی ایران و تمامیت ارضی، تنها بر عهده یک ملت و حکومت برآمده از آن نبوده است؛ بلکه بر همه مسلمانان جهان واجب است به حفظ و پاسداشت تمامیت ارضی و سرزمینی ایران بپردازند؛ زیرا به خطر افتادن این قلمرو به‌منزله به خطر افتادن کل جهان اسلام است. (زارعی و ذکی، ۱۳۹۰: ۲۲۸-۲۳۰). حفاظت از «دارالاسلام» و حفظ نظام اسلامی، طبق احکام ثانویه فقهی مقدم بر همه امور است؛ بنابراین مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز حفظ موجودیت کشور و حاکمیت نظام اسلامی است. همچنین، این اصل در نظریه‌های روابط بین‌الملل در قالب حفظ «نظام دولت» براساس «دولت - ملت و ستفالیایی» مطرح شده و به معنای حفظ بقا و منافع ملی بوده است و در صدر اهداف سیاست خارجی قرار دارد (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

۴-۲ تقویت امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور

صیانت از حریم کشور اصولاً محدود به مرزهای ملی است؛ اما به‌خاطر ماهیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی دفاع از قلمرو سرزمینی علاوه‌بر بعد جغرافیایی و ملی، در قالب دفاع از کیان اسلامی و حفظ «ام القرای» مسلمین نیز تعریف می‌شود.

انقلاب ایران از همان ماه‌های نخست به دلایلی مانند ماهیت ایدئولوژیک، هرج و مرج ناشی از تغییر رژیم، اشغال سفارت آمریکا، صدور انقلاب، اصل نه شرقی و نه غربی، طمع کشورهای قدرتمند به خاک ایران و

برآورد اشتباه نسبت به سهل الوصول بودن و شکننده بودن انقلاب و... با تهدیدات امنیتی فراوانی مواجه گردیده که موجب شده است در نظام جمهوری اسلامی حفظ، بقا و امنیت ملی مهم‌ترین اصل سیاست خارجی در نظر گرفته شود و دیدگاه امنیتی در نگرش و فهم مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، همواره جایگاه و اولویت نخست را داشته باشد (صفوی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۱)؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران به پیروی از آموزه‌ها و دستورات اسلام، برای دفاع و تأمین امنیت خود، همواره در پی کسب و افزایش قدرت دفاعی و بازدارنده بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

۴-۳ تمرکز بر الزامات استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران و گسترش نفوذ منطقه‌ای

ایران کشوری است که به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی خود، از امکانات بالقوه‌ای برای تأثیرگذاری بر تعاملات جهانی برخوردار است. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت جمعیتی، گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی و درکل موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای به گونه‌ای است که باعث شده است ایران همواره در سیر تحولات استراتژیکی، یکی از اجزای لاینفک استراتژی‌های جهانی محسوب شود و متقابلاً از آن تأثیر پذیرد (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۱۰۳). نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهمی از خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر «هانتینگتون»، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل کند. «توال» ایران را سرچشمه تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام می‌داند و «فولر» از آن به عنوان «قبله عالم» یاد می‌کند (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲).

۵- همسویی ایدئولوژی و منافع ملی و روند قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

پس از شناخت ایدئولوژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران لازم است مجموعه تدابیر و اقدامات عمل‌گرایانه در نظام اسلامی طی سه دهه گذشته و نقش آن در قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قالب موارد ذیل بررسی شود:

۵-۱ اهمیت یافتن منافع ملی

مؤلفه‌های تصمیم‌گیری طی سال‌های ۶۹-۱۳۵۷ تحت تأثیر بنیان‌های انقلاب اسلامی و رسالت دینی جهان شمول آن بود. در این دوران پان‌اسلامیسم به‌طور روشنی بر اندیشه منافع ملی برتری داشت و مبنای عمل‌مجاری و نهادهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی، جهان‌بینی اسلامی بود. تا این مقطع سیاست خارجی جمهوری اسلامی صرفاً بر واقعیات بیرون از مرزها توجه داشت و مستقل از واقعیات درون ایران عمل می‌کرد (صفوی، ۱۳۸۹: ۱۷)؛ در مجموع بر مبنای ایدئولوژیک سازی، رادیکالیسم و توده‌گرایی قرار گرفته شده بود (متقی، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۹)؛ اما با پایان جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی، جمهوری اسلامی با چرخشی تدریجی، از سیاست‌های رادیکال گذشته و حامیان آن فاصله گرفت. در این مقطع، آیت‌الله خامنه‌ای با حمایت از دولت و رئیس‌جمهور عملگرا، از گروه‌های رادیکال و الگوهای رفتاری آنها انتقاد

کردند و با فتنه‌گر خواندن آنها، جایگاه و اعتبار اجتماعی این گروه‌ها را کاهش دادند (احتشامی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). چنین چرخشی اثرات عینی قابل ملاحظه‌ای در بر داشت؛ از جمله محوریت یافتن منافع ملی به عنوان یکی از اصول اساسی روابط خارجی کشور و ابتدای عقلانیت و محاسبه به جای احساسات که تا این زمان تعیین کننده اصول و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۴۱). همچنین این تغییرات راهکار مناسبی برای ارتقای وجهه جمهوری اسلامی و خروج از انزوای سیاسی حاصل از سیاست‌های گذشته و ابتکار عمل بیشتر جهت پیگیری ارزش‌های انقلاب اسلامی در سایه تعدیلات به وجود آمده بود.

۵-۲ تغییر الگوی صدور انقلاب

یکی از سیاست‌های که در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، براساس برداشت حداکثری از ایدئولوژی انقلاب توسط آرمانگرایان اسلامی پیگیری می‌شد، سیاست صدور فیزیکی و قهرآمیز انقلاب اسلامی به سایر نقاط جهان یا سیاست «انقلاب مستمر» بود؛ اما به تدریج مشخص گردید، پیگیری چنین سیاستی هزینه‌های معتناهی را برای انقلاب اسلامی، منافع ملی ایران و دستیابی به اهداف مورد نظر جمهوری اسلامی به همراه دارد. رویارویی با واقعیت‌های جنگ، توجه به محدودیت‌ها و کاستی‌ها در داخل و به مخاطره افتادن امنیت جمهوری اسلامی موجب گردید تا راهبرد نظام در قبال سیاست «انقلاب مستمر» دچار تغییر و تحول شود. بر این اساس سیاستگذاران نظام بر آن شدند تا با رویکردی واقع‌بینانه‌تر، مسئله حفظ نظام اسلامی را در اولویت امور قرار دهند و سیاست صدور انقلاب را براساس دکترین «ام القری» برپایه حفظ قلمرو و نظام اسلامی در محدوده جغرافیایی ایران پیگیری کنند.

پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در واقع براساس این دیدگاه جدید که حفظ ام القری را بر منافع جهان اسلام مقدم می‌داشت، صورت می‌گرفت (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶).

همچنین جمهوری اسلامی به دنبال آن بود تا با تعمیم امنیت نظام اسلامی به امنیت کل امت اسلامی اهمیت نقش و جایگاه ایران در جهان اسلام را برجسته کند و به مسئولیت‌های فراملی جمهوری اسلامی ایران در قبال این مجموعه رسمیت بخشد؛ امری که موجبات نقش‌آفرینی آتی ایران در تحولات منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

۵-۳ «تعامل سازنده» در روابط خارجی

پس از پایان جنگ روند جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. در روند جدید ایران به دنبال گسترش روابط دوستانه خود با تمامی کشورهای جهان بود. توسعه روابط با دیگر کشورها در این دوران به منزله تحمیل اصول ایدئولوژیک ایران بر دیگر واحدهای سیاسی نبود. هدف از این گونه روابط خروج از انزوای سیاسی و به حداقل رساندن محدودیت‌هایی بود که کشورهای شرق و غرب برای انقلاب اسلامی ایران ایجاد کرده بودند (احتشامی، ۱۳۸۵: ۱۹۰-۱۹۱).

بر این اساس جمهوری اسلامی با در دستور کار قراردادن سیاست‌هایی چون گفت‌وگو با اتحادیه اروپا،

بهبود روابط دیپلماتیک خصوصاً با کشورهای عرب خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی و گسترش تعاملات با سازمان‌های بین‌المللی، درصدد عادی‌سازی و تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل برآمد تا علاوه بر تأمین نیازهای توسعه‌ای ایران برای بازسازی ویرانی‌های حاصل از جنگ تحمیلی به ارائه چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران پردازد.

در سه دهه اخیر نیز برنامه راهبردی جمهوری اسلامی ایران پیرو سیاست تعامل سازنده، نزدیکی به روسیه و چین به عنوان رقبای سنتی آمریکا بوده است. راهبرد مذکور عامل متوازن‌کننده‌ای در برابر سیاست‌های تقابلی آمریکا در قبال ایران بوده است که با وجود تحریم‌های گسترده، الزامات استراتژیک کشور را در زمینه‌هایی مانند نیازهای اقتصادی، توان دفاعی و نظامی، فناوری هسته‌ای و... تا حد زیادی مهیا کرده است. ازطرفی نزدیکی به این دو کشور به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت، عامل تأثیرگذاری برای جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دادن به ترتیبات منطقه‌ای مدنظر خود بوده است.

۴-۵ بازبینی در سیاست‌های اقتصادی

پس از رحلت امام خمینی^(ره)، انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر نظام اسلامی ازسوی مجلس خبرگان و تصدی پست ریاست جمهوری توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، به معنای تضعیف گرایش‌های چپ‌گرا در درون هیئت حاکم و وداع تدریجی با اقتصاد دولت‌محور دوره ده ساله بعد از انقلاب بود (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۱۷۵). بر این اساس در راستای سیاست جدید آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، سیاست تعدیل اقتصادی برای پیوند با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی پیشرفته، سرلوحه کار دولت قرار گرفت؛ بنابراین متناسب با این نوع اقتصاد، راهبرد توسعه صادرات و سیاست خارجی برون‌گرای تعاملی که با الگوی توسعه صادرات سازگاری داشت اتخاذ شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۰۳-۴۰۴)؛ در نتیجه آن (علی‌رغم پیامدهای منفی) گام‌های قابل توجهی برای نوسازی و توسعه اقتصادی برداشته شد. شاخص‌هایی مانند «نرخ تولید ناخالص ملی»، «سهم صنعت در تولید ناخالص ملی»، «سهم سرمایه‌گذاری در صنعت» و «رشد واحدهای صنعتی» می‌تواند این موضوع را تاحدی نشان دهد (فوزی، ۱۳۹۲: ۲۶۸). این تغییرات که باتوجه به ضرورت‌های اقتصادی کشور در دوره جدید انجام می‌گرفت، نقش مهمی در بازسازی اقتصاد ویران‌شده پس از جنگ و تجدید قوای نظام داشت.

علاوه بر این در سال‌های اخیر نیز به موازات برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دیگری مانند تنظیم سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) انجام شده است که در راستای اهداف کلان نظام در حوزه اقتصاد بوده است.

۵-۵ تقویت توان دفاعی و بازدارندگی

تجربه جنگ و ضعف قدرت نظامی کشور در رویارویی متقابل و پاسخ مناسب به تجاوز نظامی دشمن بعثی، رهبران نظام اسلامی را به این امر آگاه کرد که در صورت تکرار چنین اتفاقی، موجودیت نظام جمهوری

اسلامی ایران به مخاطره جدی خواهد افتاد؛ بنابراین برای حفاظت از کیان کشور و نظام اسلامی و برطبق نص صریح قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال، سیاست بازدارندگی برپایه خوداتکایی نظامی در رأس استراتژی دفاعی - امنیتی کشور قرار گرفت.

تأکید دکترین دفاعی ایران بر بازدارندگی و جنگ‌های نامتقارن احتمالی از یک‌سو و عقب‌افتادگی تکنولوژیک و تنگناهای مالی و محدودیت‌های موجود در تأمین تسلیحات از خارج از کشور از سوی دیگر، انگیزه‌های اصلی بودند که ایران را به سوی دستیابی به فناوری تولید موشک و ساخت آن در داخل کشور سوق می‌دادند (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۱). بر این اساس بود که انتقال این فناوری از دو طرف اصلی ایران یعنی کره شمالی و چین صورت گرفت. با کمک چین، خط تولید موشک‌های «اسکاد - بی» گسترش یافت و کره شمالی نیز تلاش‌هایی را درباره توسعه موشک‌های مدل «اسکاد» و «نودانگ ۱۰» انجام داد. علاوه بر این تأسیسات و صنایع دفاعی ایران به تولید و گسترش انواع دیگری از موشک‌ها و سیستم‌های چندپرتابه شامل «عقاب»، «نازعات»، «شاهین»، «شهاب» و «تندر» اقدام کرد (ولی پورزرومی، ۱۳۸۳: ۵۲۸) که طی سال‌های بعد نسل جدید، این موشک‌های راهبردی با قابلیت‌هایی فراتر از نمونه‌های قبلی نیز به تولیدات آن اضافه شدند.

در حال حاضر، ایران دارای نیروی موشکی بزرگ و بسیار توانمند متشکل از موشک‌هایی با سوخت مایع و جامد مانند فاتح، شهاب، ذوالفقار، قدر، قیام و عماد است (Eisenstadt, 2016: 4) که توان بازدارندگی بسیار بالایی را برای این کشور به ارمغان آورده است.

در مجموع می‌توان گفت، دستاوردهای نظامی دیگری نیز در استراتژی بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران دخیل بوده‌اند و پیشرفت‌های نظامی قابل توجهی در سایر زمینه‌ها نیز انجام پذیرفته است؛ اما با توجه به محدودیت‌هایی همچون تحریم ایران از خرید جنگ‌افزارهای نظامی پیشرفته مانند هواپیماهای جنگنده و...، طراحی و ساخت انواع موشک مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار استراتژی بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران بوده است. این امر علاوه بر ایجاد بازدارندگی مؤثر و افزایش ضریب دفاعی و امنیتی کشور، ایران را به بزرگ‌ترین قدرت موشکی منطقه تبدیل کرده است. در حال حاضر این توانمندی، یکی از ارکان اصلی اعمال قدرت ایران در کنش‌های منطقه‌ای به شمار می‌آید. جمهوری اسلامی ایران با نمایش قدرت تهاجمی موشک‌های خود و تجهیز متحدان منطقه‌ای‌اش به برخی از این موشک‌ها، ضمن موازنه‌سازی بازدارنده در برابر کشورهای متخاصم منطقه، از آن برای کسب منافع سیاسی مورد نظر خود استفاده کرده است.

۵-۶ رشد و توسعه فناوری هسته‌ای

روند هسته‌ای شدن ایران که با پیروزی انقلاب اسلامی متوقف شده بود، بعد از پایان جنگ تحمیلی و در دوران سازندگی با تکمیل نیروگاه بوشهر در دستور کار قرار گرفت. انصراف آلمان از ادامه همکاری و تکمیل نیروگاه بوشهر باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران قراردادی را با روسیه برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر منعقد کند؛ اما اولویت اصلی مسئولان امر گسترش فعالیت‌های هسته‌ای در داخل کشور و بومی‌سازی آن بود.

بر این اساس دستیابی به UCF یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌های دانشمندان ایرانی و کلید اصلی غنی‌سازی در سال ۱۳۸۳ بود که در نهایت موجب تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای به صورت بومی و ایرانی در سال ۱۳۸۵ شد (سلامتی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۸). چنین روندی با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های شدید کشورهای غربی با اعمال انواع تحریم‌های بین‌المللی و صدور قطعنامه‌های شورای امنیت همراه بود؛ ولی پس از مذاکرات چندین ساله، حق غنی‌سازی محدود ایران در توافق برجام به رسمیت شناخته شد. جمهوری اسلامی با بومی‌سازی انرژی هسته‌ای و تبدیل ایران به کشور آستانه، در صدد برقراری یک توازن قدرت منطقه‌ای در برابر تهدیدات بیرونی و ایجاد بازدارندگی هسته‌ای بوده است. بر این اساس جمهوری اسلامی توانسته است از این حرب به‌عنوان اهرم فشار سیاسی در مذاکرات و تعاملات خارجی به‌ویژه در مسائل منطقه‌ای استفاده کند.

۵-۷ اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در قالب قدرت نرم

به‌کارگیری قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران عمدتاً معطوف به اشاعه آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران بوده است (Wastnidge, 2015: 371). بستر قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دیپلماسی عمومی است که از آن به‌عنوان صدور فرهنگی انقلاب یاد می‌کنند. منظور از صدور فرهنگی انقلاب، بهره‌گیری از قدرت نرم انقلاب اسلامی برای تأثیرگذاری بر دیگران بدون استفاده از عناصر فیزیکی و اجبار است (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۲). هدف نهایی از اتخاذ چنین سیاسی انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران به محیط پیرامونی خود و به‌تبع آن نفوذ نرم و تدریجی جمهوری اسلامی در جوامع و کشورهای اسلامی به‌ویژه در منطقه است. این اقدامات که عمدتاً با هدف جهت‌دهی به افکار عمومی منطقه و ایجاد زیرساخت‌های فکری منبعث از انقلاب اسلامی انجام پذیرفته است، موجبات تقویت عقبه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را فراهم کرده و بستر لازم برای تحقق طرح‌های استراتژیکی مانند تشکیل ژئوپلیتیک شیعه و محور مقاومت اسلامی را به وجود آورده است.

بر این اساس انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تمرکز بر منطقه‌گرایی از طریق تقویت رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی ایران است. ماهیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای است که تمرکز و اتصال جمهوری اسلامی ایران را به مسائل جهان عرب و اسلام اجتناب‌ناپذیر می‌کند. تمرکز در مسائل منطقه‌ای از جمله صلح اعراب و اسرائیل و مبارزه با استکبار و تأکید بر بعد ارزشی آن، نقطه قوتی در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران به شمار می‌آید و ایران را به‌عنوان بازیگر فعال منطقه‌ای مطرح می‌کند (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۴).

۵-۸ تقویت ژئوپلیتیک شیعه

اقدامات انجام‌گرفته در ایران به‌عنوان کانون مذهب تشیع، تمامی جوامع شیعی را که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند، متأثر می‌کند. کشورهایی که اکثریت شیعه دارند یا دارای اقلیت شیعی قابل توجهی هستند، عمدتاً در اطراف ایران قرار دارند؛ با توجه به همین امر مشخص می‌شود که ایران در کانون جغرافیایی شیعیان قرار گرفته است. چنین موقعیتی ایران را در جایگاه رهبری این قلمرو فضایی قرار داده و باعث بیشترین تأثیرگذاری

انقلاب اسلامی در میان شیعیان این قلمرو شده است. مجموع چنین فضایی که از آن به‌عنوان «تعلقات ژئوپلیتیک» یاد می‌شود، بهترین زمینه را فراهم کرده است که جمهوری اسلامی برپایه آرمان‌های انقلاب اسلامی ارزش‌های مورد نظر خود را اشاعه دهد (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۶۰-۲۶۳) و از این طریق «عمق استراتژیک» خود را به فراسوی مرزهای ایران گسترش دهد. بر این اساس اقداماتی چون ترویج مکتب تشیع، تعریف جایگاه ام‌القری شیعه، ارتباطات گسترده با کشورهای عراق و سوریه و حمایت‌های همه‌جانبه از گروه‌ها و احزاب شیعی مانند حزب الله لبنان و انصار الله یمن برای پیروی از چنین سیاستی بوده است.

صاحب‌نظران سنی عرب پیگیری چنین سیاستی از سوی ایران را برای بسیج توده‌های مردمی در منطقه و ایجاد یک کمر بند ایدئولوژیکی دور حکومت‌ها و جناح‌های همسو با جمهوری اسلامی و در نهایت تلاشی از سوی ایران برای گسترش قدرت منطقه‌ای‌اش می‌دانند و از آن به‌عنوان هلال شیعی نام می‌برند (Barzegar, 2008: 96-97). جمهوری اسلامی با ایده و طرح شکل‌گیری هلال شیعی مخالف است؛ اما از قدرت‌گیری شیعیان در منطقه برای موازنه تهدید با آمریکا و متحدانش و تثبیت قدرت و جایگاه خود در خاورمیانه استفاده کرده است (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۷۳). در واقع سیاست جمهوری اسلامی در استفاده از ابزار ایدئولوژی به‌عنوان یک عامل مؤثر در اجرای سیاست خارجی در منطقه با هدف افزایش قدرت ملی و دفع تهدیدات امنیتی صورت گرفته است؛ بنابراین تقویت ژئوپلیتیک شیعه از سوی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اهداف عمل‌گرایانه و افزایش نقش استراتژیک ایران در منطقه صورت گرفته است تا جهت صرف ایدئولوژیک (برزگر، ۱۳۹۷: ۹۳-۹۶).

۵-۹ تشکیل محور مقاومت اسلامی

محور مقاومت اسلامی ائتلافی متشکل از جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب‌الله، حماس و شبکه‌ای از احزاب و گروه‌های مقاومت در منطقه است که براساس ایدئولوژی و هویت انقلاب اسلامی برای دفاع از آرمان فلسطین و مقابله با نظام سلطه شکل گرفته شده است.

در گفتمان مقاومت، دامنه قلمرو و امنیت ملی به امنیت اسلامی ارتقا یافته است. در واقع عرصه مقاومت از سطح نظریه به عمل وارده شده و انقلاب اسلامی مرزهای امنیتی خود را از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام گسترش داده است؛ از این رو بین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و امنیت امت اسلامی پیوند و وحدت ایجاد شده است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۷).

با شکل‌گیری محور مقاومت، مؤلفه‌های فرهنگی و دینی ایدئولوژی انقلاب اسلامی به حوزه نظامی و استراتژیک انتقال یافته است و ماهیتی عمل‌گرایانه به خود گرفته است. بر این اساس هویت شکل‌گرفته در قالب محور مقاومت، نظام امنیتی حاکم بر منطقه خاورمیانه را متأثر کرده است. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران با رهبری محور مقاومت در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی همواره از دشمنی با اسرائیل برای فشار بر قدرت‌های غربی و مهار تهدید آنها علیه خود بهره برده است (کریمی، ۱۳۹۶: ۷-۸)؛ همچنین با اتحاد با حماس به‌عنوان یک جنبش سنی، معرفی محور مقاومت به‌عنوان یک اتحاد فرقه‌ای شیعی را مردود

شمرده است (Mohns & Bank, 2012)؛ نیز جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر برای تقویت محور مقاومت، با حضور گسترده در عراق و سوریه و تشکیل هسته‌های جدید مقاومت پس از تحولات بیداری اسلامی درصدد ایجاد بازدارندگی و موازنه‌سازی در برابر رقبای منطقه‌ای و افزایش نفوذ خود در منطقه برآمده است. بر این اساس متابعت گروه‌های مقاومت از جمهوری اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرتمندی ایران است که با آن توان برهم‌زدن ترتیبات منطقه‌ای مغایر با منافع خویش را به دست آورده است. در همین باره جنگ نیابتی از طریق عوامل منطقه‌ای نظیر حزب‌الله، حماس و انصارالله، مهم‌ترین استراتژی جمهوری اسلامی برای مهار قابلیت‌های تهاجمی دشمنان خود در منطقه بوده است.

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله مجموعه تدابیر و اقدامات عمل‌گرایانه دستگاه سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران برای توازن و هماهنگی میان ایدئولوژی انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران و تأثیر آن در قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بحث و بررسی شد. سرمنشأ این اقدامات را می‌توان در تغییر رویکرد نظام اسلامی در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی دانست. از این نظر ارائه دکترین ام‌القری و تغییر الگوی صدور انقلاب از اولین نشانه‌های واقع‌بینی در سیاست خارجی بود که براساس آن جمهوری اسلامی با درک مخاطرات حاصل از سیاست انقلاب مستمر درصدد برآمد تا صدور انقلاب را برپایه حفظ قلمرو نظام اسلامی در محدوده جغرافیایی ایران پیگیری کند. قطعنامه ۵۹۸ نیز با استناد به لزوم حفظ موجودیت و بقای نظام اسلامی پذیرش شد. تغییر رویکرد جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ و اتخاذ سیاست‌های عمل‌گرایانه مانند برقراری تعامل سازنده با نظام بین‌الملل که عمدتاً به‌منظور بازسازی کشور، تأمین نیازهای اقتصادی و خروج از انزوای بین‌المللی صورت می‌پذیرفت، تأثیر بسزایی در بالابردن امنیت سیاسی - اقتصادی کشور و تثبیت نظام سیاسی به‌ویژه در آن برهه از زمان داشت. تثبیت نظام اسلامی از آن جهت اهمیت دارد که زمینه‌ساز منزلت منطقه‌ای ایران بوده است.

پیگیری سیاست هسته‌ای و ارتقای قدرت دفاع موشکی دو راهکار اصلی جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تهدیدات امنیتی محیط پیرامونی خود بوده که موجب بازدارندگی موثر نظامی و افزایش قدرت چانه زنی ایران در تعاملات بین‌المللی شده است. این امر ضمن تقویت قدرت ملی و حفظ موجودیت نظام اسلامی به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام، در سیادت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز نقشی تعیین‌کننده داشته است. بر این اساس کسب فناوری تولید موشک‌های دوربرد و تجهیز زرادخانه موشکی ایران در کنار بومی‌سازی دانش هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان قدرت نظامی بالفعل و قدرت هژمون بالقوه در منطقه مطرح کرده است.

در این میان ایدئولوژی انقلاب اسلامی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. ماهیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای است که نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی

ایران در ترتیبات منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر کرده است. محوریت جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی به ژئوپلیتیک شیعه و تشکیل محور مقاومت در منطقه با بهره‌گیری از ایدئولوژی انقلاب اسلامی منجر به بازتعریف‌شدن نقش منطقه‌ای ایران به‌منزله یک کانون قدرت شده است که منطبق بر منافع ژئواستراتژیک ایران در گسترش فضای حیاتی و افزایش عمق راهبردی کشور است؛ به بیان دیگر همسویی و هم‌پوشانی میان ایدئولوژی جهان شمول انقلاب اسلامی و مقتضیات ژئواستراتژیک ایران، عامل مؤثری در قدرت‌یابی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. برخی از استراتژیست‌ها اهمیت و جایگاه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در تأمین منافع ملی ایران را فراتر از این دانسته و با نگاهی حداکثری به این موضوع، بیان داشته‌اند که ایدئولوژی انقلاب اسلامی، ابزاری شتاب‌دهنده و تسهیل‌گر برای اعاده مجدد جایگاه تاریخی ایران در منطقه بوده است.

منابع

۱. احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۵)، گذار از بحران جانشینی، تهران: قومس.
۲. احمدی، سیدعباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک، شیعه، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس، چاپ سوم.
۴. ال. لمی، استیون (۱۳۹۲)، «رویکردهای معاصر جدید: نئورنالیسم و نئولیبرالیسم»، جهانی‌شدن سیاست، جان بیلینس و استیو اسمیت، تهران: ابرار معاصر، ۴۰۷-۴۴۶.
۵. برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۶. جعفر الظالمی، محمد صالح (۱۳۵۹)، فقه سیاسی در اسلام، ترجمه رضا رجب‌زاده، تهران: پیام آزادی.
۷. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱). «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، ۶۱-۸۶.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، «تبری و تولی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، برگرفته از: www.porseman.com/article/25035
۹. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸)، «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، ۱۵۲-۱۹۲.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت، چاپ پنجم.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدپور، زهرا؛ بویه، چمران (۱۳۹۱)، «تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری قلمروهای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال اول، شماره ۱، ۲۶-۴۹.

۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت، چاپ چهارم.
۱۴. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰)، هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
۱۵. زارعی، بهادر؛ ذکی، یاشار (۱۳۹۰)، «اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، ۲۲۱-۲۳۶.
۱۶. سلامتی، اعظم (۱۳۹۳)، سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد و مواضع شخصیت‌ها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. سیدنژاد، سید باقر (۱۳۸۹)، «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه‌نگاری» فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ۱۶۳-۱۸۶.
۱۸. شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، فقه سیاسی در اسلام، جلد دوم، تهران: آرین.
۱۹. صفوی، سید حمزه (۱۳۸۹)، کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ دوم.
۲۰. طارمی، کامران (۱۳۸۲)، «تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۹، ۱۷۹-۱۹۴.
۲۱. عباسی سمنانی، علیرضا (۱۳۹۲)، «موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان»، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۲، شماره ۸۶، ۹۶-۱۰۴.
۲۲. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)، منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. فوزی، یحیی (۱۳۹۲)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، جلد دوم، تهران: عروج، چاپ سوم.
۲۴. فیرحی، داود (۱۳۹۳)، فقه و سیاست در ایران معاصر، جلد اول، تهران: نشر نی.
۲۵. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶)، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۳۳-۵.
۲۶. کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰، ۱-۱۴.
۲۷. گریفیتس، مارتیس (۱۳۹۴)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
۲۸. لارسون، توماس؛ اسکیدمور، دیوید (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران: قومس.

۲۹. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «رویکردهای نخبگان در فرایندهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجری طرح: نسرين مصفا، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۶۵-۷۶.
۳۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، «تحلیل سیاست خارجی ایران از منظر سازه‌انگاری» در نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجری طرح: نسرين مصفا، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳-۲۵.
۳۱. منصور، جهانگیر (۱۳۸۲)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ بیست‌وهفتم، تهران: دوران.
۳۲. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، «چالش‌های نظری و عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره دوم، ۳۳-۵۵.
۳۳. نوری، وحید؛ ملکوتی، محمد (۱۳۹۱)، «جایگاه عدالت‌طلبی در منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۱، ۱-۳۰.
۳۴. ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳)، گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۵. هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰)، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۶. یعقوبی، سعید (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- Barzegar, K. (2008). Iran and the Shiite crescent: Myths and realities. *Brown J. World Aff.*, 15, 87.
- Cantelmo, R. G. (2015). *Hegemonic ambition: Offensive Realist Prescriptions for Regional Hegemons in External Regio* (Doctoral dissertation, The George Washington University).
- Eisenstadt, M. (2016). The Role of Missiles in Iran's Military Strategy. *Washington Institute for Near East Policy, Research Notes*, 39(9).
- Mohns, E., & Bank, A. (2012). Syrian Revolt Fallout: End of the Resistance Axis. *Middle East Policy*, 19(3), 25.
- Wastnidge, E. (2015). The modalities of Iranian soft power: from cultural diplomacy to soft war. *Politics*, 35(3-4), 364-377.

Alignment of ideology and national interests and the process of gaining power in the regions of the Islamic Republic of Iran

(۱۳۹۶-۱۳۶۸)

Mehdi Parhan, Gholamreza Karimi, Arsalan Ghorbani Sheikhunshin, Seyed Ali

Manavari

Received: 2019.5.12

Accepted: 2019.10.24

Abstract

After the end of the imposed war, the Islamic Republic, in addition to pursuing the ideology of the Islamic Revolution, has focused on the geostrategic requirements and interests of Iran. In this article, researchers try to investigate the effects of the alignment between ideology and national interests in empowering the regions of the Islamic Republic of Iran by researching the performance of the Islamic Republic in the past three decades. Based on this, the main question of the article is: How has the alignment of ideology and national interests been effective in the process of gaining power in the regions of the Islamic Republic of Iran? The hypothesis of the article is that the change in the system's approach and its actions in adapting the ideology and national interests of the country has increased the power of the Islamic Republic of Iran in the region. The findings of the research have been done by explanatory-analytical method and using library and documentary sources and show that after the end of the imposed war and the beginning of pragmatic policies in the country, the alignment of ideology and national interests based on highlighting national power and geopolitical position and redefining ideological concepts. In macro-decision-making, it has increased the power of the regions of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Ideology, National Interest, Empowerment, Islamic Republic of Iran, Foreign policy.